

دانشنامه جهان اسلام

ت

تربت حیدریه - کتاب

کتابخانه و مرکز اطلاع رسانی
بنیاد و میراث الحکومت اسلامی

(۷)



شماره ثبت ۷۷۹۴۹

تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۵

زیر نظر

غلامعلی حداد عادل

معاون علمی

حسن طارمی راو

تهران ۱۳۸۲

[بی تا]؛ حسن بن محمد نظام الاعرج، تفسیر غرائب القرآن و
رغائب الفرقان، چاپ زکریا عمیرات، بیروت ۱۴۱۶/۱۹۹۶.

/ باقر قربانی زین /

۸) تفسیر فقهی، یکی از گرایشهای تفسیری قرآن که به
تفکیک و دسته‌بندی و تحلیل و تفسیر آیاتی می‌پردازد که با
احکام فقهی ارتباط می‌یابد، تفسیر فقهی است. بدون شک دو
دانش تفسیر و فقه در یک بستر تاریخی به وجود آمدند (←
شهابی، ج ۱، ص ۴۷۸) و ازینرو در اصول و شیوه‌های فهم و
منابع با یکدیگر در ارتباط‌اند، زیرا در اعتقاد اسلامی اولین و
مهمترین منبع تشریح و استنباط احکام، قرآن است. به نظر
معرفت (ج ۲، ص ۳۵۴، پانویس ۱) اگر از زاویه خاص سیاسی و
اجتماعی، که گذشتگان از آن غافل مانده‌اند، به قرآن توجه شود،
شمار آیات فقهی متجاوز از دوهزار خواهد بود، اما بنا بر قول
مشهور شیعه (برای نمونه ← علامه حلی، ج ۱، ص ۵۲۶؛
فاضل مقداد، ج ۱، ص ۵؛ شهید ثانی، ج ۳، ص ۶۳-۶۴؛
بحرانی، ج ۱، ص ۲۷) تعداد این قسم از آیات، حدود
پانصدتاست. این آیات که بیانگر احکام عملی و تکالیف فقهی
مسلمانان است، موضوعات متنوعی نظیر احکام خانواده و
احکام اجتماعی و اقتصادی را در بر دارد (برای تفصیل بیشتر
درباره دسته‌بندی آیات احکام ← مسعودی، ص ۵۵-۶۱).

در قرآن احکام عملی معمولاً به صورت کلی بیان شده
است. در بسیاری از آیات نیز حکم با الفاظی بیان می‌شود که
دلالت آن قطعی و ظاهر نیست و راه را برای اجتهاد و دخالت
ذهن هموار می‌سازد. علاوه بر این، گاهی تأثیر رأی لغوی و
نحوی مفسر یا فقیه و نظر او درباره برخی از مباحث اصول فقه،
مانند عموم و خصوص یا اطلاق و تقييد و همچنین مسئله
صحت و سقم و درجه اعتبار روایات، باعث ایجاد اختلاف در
استنباط احکام می‌شود (← آل جعفر، ص ۱۵۷؛ رومی، ج ۲،
ص ۴۱۶؛ نیز برای نمونه اختلافات ← آل جعفر، ص ۲۳۲-
۲۵۵). این اختلافات از همان ابتدا با وفات پیامبر آغاز شد،
چنانکه گاهی صحابه نیز در فهم یک آیه و احکام ناشی از آن
اختلاف نظر پیدا می‌کردند (برای نمونه ← خضری، ص ۹۷-
۱۰۵؛ ذهبی، ج ۲، ص ۴۱۵). این وضع تا زمان شکل‌گیری
رسمی مذاهب فقهی ادامه یافت، ضمن اینکه مسائل جدیدی
نیز برای مسلمانان پیش آمد. در این میان پیشوایان مذاهب با ادله
و براهین مختلف و به دور از اغراض شخصی به آنچه از نظر
خود صحیح می‌دانستند، فتوا می‌دادند اما پس از این دوران،
جریان تقلید از فقیهان و مکاتب فقهی شکل گرفت و هر مکتب
فقهی با جانبداری از احکام و آرای فقهی پیشوای خود سعی در
ترویج آن و ابطال آرای مخالفان داشت و با روی آوردن به تأویل

اللغویین و النحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۴؛ همو،
التحجیر فی علم التفسیر، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمد بن حسین
شریف‌رضی، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، چاپ محمد
عبدالغنی حسن، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ محمد بن علی شوکانی،
فتح‌القدیر، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، [بی تا]؛ محمد بن عبدالکریم
شهرستانی، تفسیر الشهرستانی، المسمی مفتاح الاسرار و
مصایب الاررار، ج ۱، چاپ محمد علی آذرشب، تهران ۱۳۷۶ ش؛
صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، چاپ محمد حسن آل یاسین، بیروت
۱۴۱۴/۱۹۹۴؛ صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت ۱۹۹۰؛
مصطفی صاوی جوینی، مدارس التفسیر القرآنی، اسکندریه ۱۹۹۲؛
شوقی ضیف، البلاغة: تطور و تاریخ، قاهره [۱۹۶۵؟]؛ احمد بن
مصطفی طاشکوبری زاده، کتاب مفتاح السعادة و مصباح السیادة،
ج ۲، حیدرآباد دکن ۱۴۰۰/۱۹۸۰؛ فضل بن حسن طبرسی، تفسیر
جوامع الجامع، ج ۱، چاپ ابوالقاسم گرجی، تهران ۱۳۴۷ ش؛ همو،
مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ هاشم رسولی محلاتی و فضل‌الله
یزدی طباطبائی، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ طبری، جامع؛ عبدالله بن حسین
عکبری، املاء مفاخر به الرحمن من وجوه الاعراب والقراءات فی
جمیع القرآن، چاپ ابراهیم عطوه عوض، قاهره ۱۳۸۹، چاپ افست تهران
۱۳۶۱ ش؛ همان: التبیان فی اعراب القرآن، چاپ علی محمد بجاوی،
[قاهره ۱۹۷۶]، چاپ افست بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ علی بن حسین
علم‌الهدی، امالی المرتضی: غرر الفوائد و درر القلائد، چاپ محمد
ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۷۳/۱۹۵۴، چاپ افست تهران [بی تا]؛
محمد بن مسعود عیاشی، التفسیر، قم ۱۴۲۱؛ محمد بن عمر فخر رازی،
التفسیر الکبیر، قاهره [بی تا]، چاپ افست تهران [بی تا]؛ بحی بن
زیادفراء، معانی القرآن، ج ۱، چاپ احمد یوسف نجانی و محمد علی
نجار، مصر ۱۹۵۵، چاپ افست تهران [بی تا]؛ خلیل بن احمد فراهیدی،
کتاب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۵؛
محمد بن یعقوب فیروزآبادی، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب
العزیز، ج ۲، چاپ محمد علی نجار، بیروت [بی تا]؛ محمد بن احمد
فرطی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، قاهره ۱۳۸۷/۱۹۶۷، چاپ افست
تهران ۱۳۶۴ ش؛ محمد بن سلیمان کافجی، کتاب التیسیر فی قواعد
علم التفسیر، چاپ اسماعیل جراح اوغلی، آنکارا ۱۹۷۴؛ عمر رضا
کخاله، علوم الدین الاسلامی، دمشق ۱۳۹۴/۱۹۷۴؛ عبدالسلام احمد
گنون، المدرسة القرآنیة فی المغرب من الفتح الاسلامی الی
ابن عطیة، ج ۱، رباط ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ ایگناتس گولدنسیهر، مذاهب
التفسیر الاسلامی، ترجمه عبدالحلم نجار، قاهره ۱۳۷۴/۱۹۵۵؛ ماهر
مهدی هلال، فخرالدین الرازی بلاغیاً، بغداد ۱۳۹۷/۱۹۷۷؛ محمد بن
یزید میرد، الکامل، چاپ ابراهیم دلجمونی ازهری، قاهره ۱۳۳۹؛ همو،
المقتضب، چاپ محمد عبدالخالق عضیمه، بیروت [۱۳۸۲/۱۹۶۳]؛
مکی بن ابی طالب حموش، مشکل اعراب القرآن، چاپ حاتم صالح
ضامن، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ منبع عبدالحلم محمود، مناهج المفسرین،
قاهره ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛ عبدالله بن احمد نسفی، تفسیر القرآن الجلیل،
المسمی بمدارک التنزیل و حقائق التأویل، بیروت؛ دارالکتاب العربی،

می‌گردد (معرفت، ج ۲، ص ۳۵۵)، هر چند به گفته ذهبی (ج ۲، ص ۴۱۸) قبل از عصر تدوین جز مطالبی پراکنده از فقهای صحابه و تابعین، تفسیر فقهی دیگری یافت نمی‌شود. ابن‌ندیم (ص ۴۰-۴۱) در میان مؤلفان کتب احکام‌القرآن نام محمدبن سائب کلبی (متوفی ۱۴۶)، از اصحاب خاص امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام، را ذکر کرده و سیدحسن صدر (ص ۳۲۱) بر این اساس وی را اولین نویسنده احکام‌القرآن دانسته است. اثری از این کتاب در دست نیست.

قدیمترین تفسیر فقهی بر جای مانده، متعلق به محمدبن ادریس شافعی (متوفی ۲۰۴) است که احمدبن حسین بیهقی (متوفی ۴۵۸) آن را گرد آورده است. پس از وی ابوبکر احمدبن علی جصاص (متوفی ۳۷۰)، از علمای حنفی، احکام‌القرآن را نوشت و از آن پس تألیف این قبیل کتابها ادامه یافت (انصاری، همان مقدمه، ص ۹-۱۰). چنانکه ابوالحسن علی‌بن محمد کیهراسی (متوفی ۵۰۴) از عالمان شافعی، ابوبکر محمدبن عبدالله ابن عربی (متوفی ۵۴۳) و ابوعبدالله محمدبن احمد قرطبی (متوفی ۶۷۱) از مالکیان و محمدبن حسین بن قاسم (متوفی ۱۰۶۷) از زیدیان کتابهایی در این زمینه تألیف کردند (ذهبی، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۱۹). تفسیر زادالمسیر فی علم التفسیر ابن جوزی (متوفی ۵۹۷) نیز اگر چه خاص آیات الاحکام نیست، اما بر مبنای آرای فقهی مذهب حنبلی نوشته شده است (ابن جوزی، ص ۷۲؛ قس ذهبی، ج ۲، ص ۴۱۴-۴۲۰ که اشاره‌ای به تفاسیر فقهی حنبلیان نکرده است؛ رومی، ج ۲، ص ۴۱۷؛ برای آگاهی از تفاسیر فقهی اهل سنت ← حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۲۰؛ ایازی، ص ۸۳۷). در میان امامیه نیز

قدیمترین کتاب مستقل در این باب، نوشته قطب‌الدین ابوالحسن سعیدبن هبة‌الله راوندی (متوفی ۵۷۳) است (انصاری، همان مقدمه ص ۱۰). پس از او فاضل مقداد سیوری (متوفی ۸۲۶) یکی از جامعترین این تفاسیر را نوشت (برای آگاهی از تفاسیر فقهی شیعه ← آقابزرگ طهرانی، ج ۱، ص ۴۰-۴۴؛ ایازی، ص ۹۱-۹۲).

تألیفات جدید در زمینه تفسیر فقهی اندک است و تفاوت‌های بسیاری با کتب کهن و متقدم دارد. اهم ویژگیهای تفاسیر فقهی جدید بدین قرار است: بیان کلیات و مطالب مهم و اجتناب از تطویل؛ دوری از تعصب و عدم پایبندی به یک مذهب فقهی خاص؛ اهتمام به رد برخی شبهات نسبت به احکامی چون قطع دست سارق و رجم زانی؛ و پرداختن به بخشی از آیات احکام، نه همه آنها از آنرو که این کتابها بیشتر برای دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی نوشته شده و جنبه آموزشی دارد (رومی، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۱۹؛ برای آگاهی از تفاسیر جدید ← همان، ج ۲، ص ۴۳۶؛ مدیرشانه‌چی، ص ۳-۴).

و احياناً قول به نسخ یا تخصیص تلاش می‌کرد آیات قرآن را شاهد بر رأی فقهی خود یا دست کم غیر معارض با آن نشان دهد (ذهبی، ج ۲، ص ۴۱۴-۴۱۷)، به گونه‌ای که می‌توان قرن دوم و سوم را علاوه بر شکل‌گیری مذاهب فقهی، عصر تنظیم و ترتیب یافتن فقه و تفسیر فقهی بر پایه مذاهب دانست (ایازی، ص ۸۹-۹۰).

پس از این دوره، پیروان هر مذهب فقهی برحسب قواعدشان به استنباط احکام از آیات پرداختند و تفاسیری برای آیات احکام نوشتند که اختلافات مذاهب فقهی در آنها منعکس بود. در این آثار معمولاً مؤلف به هنگام تفسیر آیات، ابتدا آرای فقها و بزرگان مذاهب دیگر را به همراه دلایل آنان بیان می‌کند، سپس با استفاده از دانش لغوی و نحوی و اصولی خود و با ارائه شواهد قرآنی و حدیثی نظرش را، که همواره منطبق بر یکی از مذاهب شناخته شده فقهی است، به اثبات می‌رساند. مثلاً، در آیه ششم سوره مائده (آیه وضو) که دارای مسائل و احکام عبادی بسیاری است (ابن عربی، قسم ۲، ص ۵۵۷-۵۵۸)، قواعد نحوی و اصولی، اشتراک معنایی حرف «واو» و روایات رسیده در این باب باعث اختلاف فراوان و در نتیجه قول به وجوب یا عدم وجوب ترتیب در وضو گردیده است (← جصاص، ج ۲، ص ۳۶۰-۳۶۴؛ ابن عربی، قسم ۲، ص ۵۶۱-۵۶۲؛ قرطبی، ج ۳، جزء ۶، ص ۹۸-۹۹؛ فاضل مقداد، ج ۱، ص ۱۹-۲۲).

تفسیر فقهی تنها به احکام تکلیفی و وضعی می‌پردازد (معرفت، ج ۲، ص ۳۵۴). در این روش سعی مفسر بر استنباط حکم از آیاتی است که به صراحت یا اشاره متضمن حکمی

تفسیر فقهی است (ایازی، ص ۸۹-۹۰). قدیمترین انواع تفسیر موضوعی به حساب آورد. این نوع تفسیر را، از آن جهت که فقها آن را برعهده دارند، از دقیقترین تفاسیر دانسته‌اند (← انصاری، مقدمه معرفت، ص ۹). تفاسیر فقهی همه احکام مرتبط با موضوع آیه، را مطرح می‌نمایند، چنانکه به نظر رومی (ج ۲، ص ۴۱۷) بین این تفاسیر و کتب فقه فرق چندانی نیست؛ اما در تفاسیر دیگر، مفسران در ذیل آیات مربوط به احکام، تنها به ارائه حکم فقهی صریح و رأی خودشان بسنده می‌کنند (برای تفصیل بیشتر ← آل‌جعفر، ص ۱۴۶).

مؤلفان تفاسیر فقهی در ترتیب این کتب معمولاً دو روش را به کار برده‌اند: ۱) تفسیر آیات احکام به ترتیب سوره‌ها و آیات؛ ۲) تنظیم آیات فقهی قرآن براساس ابواب رایج در کتب فقه. مفسران اهل سنت غالباً روش اول را برگزیده‌اند و مفسران شیعه به طریق دوم رفته‌اند (ایازی، ص ۹۰-۹۱؛ قس مدیرشانه‌چی، ص ۵). احادیث فقهی پیامبر اکرم و توضیح و تبیین آنها از جانب صحابه و امامان شیعه، بخشی از تفاسیر فقهی محسوب

آیات و احیاناً به اثبات دیدگاههای کلامی خود یا رد آرای کلامی مخالفان خود می‌پردازد. در پژوهشهای تفسیری از این‌گرایش با عناوین تفسیر اجتهادی و تفسیر به رأی نیز یاد شده است (محمدحسین ذهبی، ج ۱، ص ۲۵۶؛ زرقانی، ج ۲، ص ۴۹؛ ایازی، ۱۴۱۴، ص ۴۰).

پیدایش و شکل‌گیری تفاسیر عقلی - کلامی، پیش از هر چیز به وجود آیات نسبتاً زیادی در قرآن باز می‌گردد که متضمن داده‌های عقلی و نظری است، مثل آیاتی که دعوت به تعقل و تدبیر می‌کند (برای نمونه - بقره: ۲۴۲؛ انبیاء: ۶۷؛ مؤمنون: ۸۰؛ نور: ۶۱) یا آیاتی که خود صبغه استدلالی دارند، مانند آیات نفی شرک (برای نمونه - انبیاء: ۲۲؛ نمل: ۶۳). علاوه بر این در قرآن آیاتی هست که تفسیر و تبیین آنها بدون توضیح و تأویل عقلی و صرفاً با اتکا به ظاهر لفظ ناممکن است یا با آموزه‌های صریح قرآن همخوانی ندارد. از این قبیل است آیاتی که در آنها به خدا «ید» (دست) و «وجه» (صورت) نسبت داده شده (فتح: ۱۰؛ بقره: ۱۱۵؛ الرحمن: ۲۷) و از استوای خدا بر عرش (طه: ۵) و رؤیت خدا سخن به میان آمده است (قیامت: ۲۲-۲۳). این آیات، که با مفاهیم کلامی نظیر تشبیه و تنزیه پیوند دارد، سبب طرح مباحث کلامی در تفسیر این آیات می‌شده است. علاوه بر این در قرآن آیاتی هست که در ظاهر غیرقابل جمع می‌نماید، مثلاً در آیاتی آمده که خداوند هرکس را که بخواهد هدایت می‌کند و هرکس را که بخواهد گمراه می‌سازد (برای نمونه - ابراهیم: ۴؛ نحل: ۹۳؛ مدثر: ۳۱) و از سوی دیگر در آیاتی گفته شده است که کفر نورزید و ایمان بیاورید (برای نمونه - آل عمران: ۷۹؛ اعراف: ۱۵۸؛ نساء: ۱۳۶). در تفسیر این آیات نیز مباحث مختلفی، که بیشتر جنبه کلامی - فلسفی دارد، مطرح گردیده است، مثل مباحثی درباره جبر و اختیار، کسب، افعال بندگان و حسن و قبح افعال. این قبیل آیات و برخی عوامل دیگر، موجب شکل‌گیری مباحث و مناقشاتی میان مسلمانان در قرون اولیه اسلام شد و بتدریج به تأسیس علم کلام انجامید و بر تفسیر قرآن، که در آغاز متکی بر منقولاتی از پیامبر اکرم و آرای صحابیان بود، تأثیر مستقیم گذاشت. تفسیر عقلی - کلامی حداقل در حوزه آثار مکتوب، نسبت به تفسیر مأثور، متأخر است، هرچند که ریشه آن را به عصر تابعین رسانده (معرفت، ج ۲، ص ۳۴۹؛ قس رومی، ص ۱۰۰) و از مکتب عراقی سخن گفته‌اند که در مقابل مکتب مکی و مدنی، رویکردی مبتنی بر رأی و اجتهاد بوده است (محمدحسین ذهبی، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ خضیری، ج ۲، ص ۷۲۲-۷۲۳).

در قرن سوم و چهارم با بسط و اشاعه علم کلام، تفسیر کلامی نیز رواج یافت و در این میان، تفاسیر معتزلی را می‌توان نقطه عطفی به حساب آورد. معتزله بر اساس مشرب کلامی

امروزه گاهی به دلیل شخصیت ممتاز علمی یک مفسر یا فقیه متقدم، که خود تفسیر فقهی مستقلی ننوشته است، آرای پراکنده فقهی وی در ذیل آیات احکام، از لابلای تفسیر یا کتب فقهی او، جمع‌آوری می‌شود و به صورت مجموعه‌ای مستقل به چاپ می‌رسد، نظیر *الأحكام الفقهية للامام الطبري: مجموعة من كتاب التفسير له* (بیروت ۱۴۲۰/۲۰۰۰) تدوین محمدحسن محمدحسن اسماعیل که به ترتیب ابواب فقه سامان یافته و *الأنظار التفسيرية للشيخ الانصاري* (قم ۱۳۷۶ ش) تدوین صاحبعلی محبتی که به ترتیب سوره‌های قرآن تنظیم شده است (برای آگاهی از کتاب‌شناسی آثار تألیف شده در باب تفسیر فقهی - هاشم‌زاده، ص ۱۶۹-۱۸۴).

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ مساعد مسلم عبدالله آل‌جعفر، *أثر التطور الفكري في التفسير في العصر العباسي*، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۴؛ این‌جوژی، *الباز الأشهب المنقذ علی مخالفی المذهب لابن الجوزي*، چاپ علی دحروج، در *الابحاث*، سال ۳۸ (۱۹۹۰)؛ ابن‌عربی، *احکام القرآن*، چاپ علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجليل، [بی‌تا]؛ ابن‌ندیم؛ مرتضی‌بن محمد امین انصاری، *الأنظار التفسيرية للشيخ الانصاري*، تدوین صاحبعلی محبتی، قم ۱۳۷۶ ش؛ محمدعلی ایازی، *المفسرون: حياتهم و منهجهم*، تهران ۱۴۱۴؛ یوسف‌بن احمد بحرانی، *الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة*، قم ۱۳۶۳-۱۳۶۲ ش؛ احمدبن علی جصاص، *كتاب احكام القرآن*، [استانبول] ۱۳۳۵-۱۳۳۸، چاپ افست بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ حاجی خلیفه؛ محمد خضری، *تاریخ التشريع الاسلامي*، بنارس ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمدحسین ذهبی، *التفسير والمفسرون*، قاهره ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ فهدبن عبدالرحمان رومی، *اتجاهات التفسير في القرن الرابع عشر*، ریاض ۱۴۰۷/۱۹۸۶؛ محمود شهابی، *ادوار فقه*، ج ۱، تهران ۱۳۷۲ ش؛ زین‌الدین بن علی شهید ثانی، *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*، چاپ محمد کلانتر، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ حسن صدر، *تأسيس الشيعة لعلم الاسلام*، [بغداد] ۱۳۷۰، چاپ افست تهران [بی‌تا]؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، *قواعد الاحكام*، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹؛ مقدادبن عبدالله فاضل مقداد، *کنز العرفان في فقه القرآن*، چاپ محمدباقر بهبودی، چاپ افست تهران ۱۳۸۴-۱۳۸۵؛ محمدبن احمد قرطبی، *الجامع لاحكام القرآن*، ج ۳، جزء ۶، بیروت ۱۹۶۵، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ ش؛ کاظم مدیرشانه‌چی، *آیات الاحكام*، تهران ۱۳۷۸ ش؛ محمد مهدی مسعودی، *گستره مباحث فقهی قرآن*، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، سال ۱، ش ۴ (زمستان ۱۳۷۴)؛ محمدهادی معرفت، *التفسير والمفسرون في ثوبه القشيب*، مشهد ۱۴۱۸-۱۴۱۹؛ محمدعلی هاشم‌زاده، *کتابشناسی احکام قرآن* (بر اساس ترتیب قرن)، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، سال ۱، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۴).

/ مهرداد عباسی /

۹) **تفسیر عقلی - کلامی**، یکی از گرایشهای تفسیری که در آن مفسر در تفسیر آیات به جای اتکا به روایات به اجتهاد و رأی خود اتکا می‌کند و با بهره‌گیری از کلام و فلسفه به تفسیر